

پرچمدار نهضت

مجال است از ایمان خود دست بردارد

یگانه عاملی که نه تنها افراد را از تجاوز بحدود و حقوق دیگران باز میدارد بلکه عالیترین درجه فداکاری و حس از خود گذشتگی و ایثار را در راه سمادت جامعه در انسان بوجود میآورد ایمان بخدا است جالبترین وقایع و حوادثی که در صفحات تاریخ جهان ضبط و ثبت شده است و درخشانترین قیامها که دارای آثار جاویدان بوده و همیشه برای ملل مظلوم و محروم درس و عبرت است همان وقایع و قیامهایی است که از طرف عناصر مؤمن بخدا صورت گرفته است.

ایک قبل از آنکه یکی از افراد مؤمن و نیز قیامی را بعنوان نمونه یاد کنیم لازم است درباره مؤمن و ایمان تذکری بدهیم.

ایمان از نظر شدت و ضعف بر دو قسم است: ایمان ثابت و ایمان مستودع و از مؤمنین دسته‌ای دارای ایمان ثابت هستند دسته دیگر صاحبان ایمان مستودع میباشند بعبارت دیگر عده هستند که در راه ایمان و عشق بخدا

الهی رضا برضائك . صبراً علی بلائک و تسلیمآ لامرک
لامعبود سواک یاغیاث المستغیثین

(پروردگارا راضیم برضای تو ، صبر میکنم به بلای تو ،
تسلیم هستم بفرمان تو ، معبود و مغشوقی جز تو نیست . ای دادرس
داد خواهان .)

گنج شایگان ————— پرچمدار نهضت

و اجرای احکام و دستورات الهی حاضرند از همه چیز خود دست برداشته و جان و مال خود را در باره آن فدا نمایند اما صاحبان ایمان مستودع آن دسته از مؤمنین میباشد که دین را در حدود منافع خود خواسته و همانکه منافع خود را در مقابل دین در خطر دیدند از ایمان دست کشیده و از هوای نفس تبعیت میکنند بدبختی و مصیبت هنگامی است که در میان پیشوایان و شیوخ و عقاء قوم کسانی پیدا شوند که دارای ایمان مستودع باشند و در مقابل قدرت مال و جاه تسلیم شوند و از ایمان بخدا و داع نمایند زیرا توده مردم که تحت راهنماییها و مصلحت اندیشهای بزرگان خود قرار دارند و باطمینان آنکه آنها راستگوبان و پاکدلانند کورکورانه از آنها اطاعت نموده و فرامین آنان را اجرا مینمایند و بسا که بر اثر اطاعت و اجرای اوامر و نوامی این دسته بظاهر متدین و در باطن خود پرست و سودطلب جنایات و فاجعه های غیرقابل جبرانی در اجتماعات بوجود میآید بدبخت مردم جاهل و بیچاره و چشم و گوش بسته که بهوای اطاعت از اولیای دین مرتکب اعمالی میشوند که هم دنیای خود را از دست میدهند و هم مورد غضب و عذاب سخت خداوند قرار میگیرند.

وقتی در روز بازپرسی و جزا همین توده بیچاره متوجه میشوند سیئات و گناههایی را صرفاً بر اثر اطاعت از اوامر پیشوایان و روحانی نماهای دروغی خود مرتکب شده اند که اینک مکافات سوء آنها باید تحمل نمایند آه از نهاد برآورده و متضرعانه میگویند ربنا اطهنا ساداتنا و کبرائنا فاضلونا السمیلا خداوند اگر گناهانی را مرتکب شده ایم نبود مگر آنکه از بزرگان و شیوخ خود اطاعت نموده ایم حال که اغوا و اغفال شده ایم و بنا آتیم ضعیفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا پروردگارا عذاب آنها را دو برابر کن و از نعمتهای خود آنها را هرچه بیشتر دور بدار. بدبختانه مردم دور از خدا هم وقتی دلیلی بر عقیده نادرست خود ارائه میدهند همین که رفتار و کردار این دسته متظاهر بدین را برخ مردم کشیده و آنها را مظاهر دین شناخته و بدینوسیله خدا و خداپرستی را انکار مینمایند.

گنج شایگان ————— پرچمدار نهضت

خیر! اینها مظاهر دین نیستند، اینها عابد و زاهد و متقی و پارسا نمیباشند، اینها بندگان دینار و درمند و بقول سعدی:

زاهد که درم گرفت و دینار رو زاهد دیگری بدست آر

مردم کوفه مسابقه‌ای که برای کشتن پسر پیغمبر بوجود آورده بودند نبود مگر آنکه اجرای فتوای شریح قاضی همان متظاهر بدین رانمودند شریح همان که دید اگر با یزید همکاری کند بیول زیاد میرسد و نفوذ بیشتری در دستگاه یزید بهم خواهد زد خیلی ساده و بی تکلف اعلان کرد حسین بن علی بر خلیفه وقت شوریده و مهدورالدم است این رأی را داد بدون آنکه دقیقه‌ای به نتایج زشت و سوء فتوایش بیندیشد و یابیش وجدان و ضمیر خود خنجل گردد.

حسین (ع) پسر امیرالمؤمنین علی (ع) و نواده رسول اکرم (ص)

با همه فضیلت و درستی و تقوی و علم و کمالاتش بایستی شهید شود و اسی یزید سک باز و شرابخور و پسر نامشروع معاویه که خود فرزند نامشروع ابوسفیان و وسیاه و زشت کار است و تمام احکام و دستورات خداوند و سنت پیغمبر را نادیده گرفته و تحت تأثیر شهوات پست حیوانی خود قرارداد بایستی بر کرسی خلافت تکیه زده و برجامه حکومت نماید.

آری دین همیشه از طرف مقدماتین دروغین و روحانی نماها شکست خورده و بی دینها و معاندین هیچگاه نتوانستند پایه‌های دین را بلرزانند.

امروز هم کسی از دین بیزار نیست بلکه نفرت از عمل دینداران دروغگو و مزور است که بتدریج بصورت بیدینی ظاهر و جلوه گر شده است. اما صاحبان ایمان ثابت کسانی هستند که در مقابل دین و ایمان بخدا و اجرای احکام مقدس آسمانی، خود و تمام علائق مادی و دنیوی را فدا میکنند جان بازان کر بلا نمونه‌های بارز این دسته از مؤمنین میباشند و یکی از این فداکاران حضرت ابوالفضل (ع) پرچمدار نهضت حسین (ع) است. این وجودگرمی در آخرین شب حیات خود در خدمت برادر و پیشوای والاتبارش زانوی ادب بر زمین زده و مشغول فرمایشات فرمانده

گنج شایمان ————— پرچمدار نهضت

نهضت میباشد در حالی که دوسه شبانه روز است که بر اثر احراز مسئولیت های سنگین و انجام وظایف دشوار وجود عزیزش خسته و کوفته گردیده و از بی خوابی فرسوده شده است .

دشمن هم باین خستگی پی برده در دل شب شمر را اعزام میدارد تا با او وارد مذاکره شده و بلکه بتواند بین این دو برادر جدائی اندازد و حضرت عباس را وادار کند که از برادر (دین وایمان) خود دست برداشته و اگر در آرتش یزید وارد نمیشود لااقل بیطرف بماند و در مقابل این کار پول زیادی دریافت داشته و با عنوان استاندار و فرماندار در یکی از نقاط کشور اسلام به حکومت پردازد .

پیداست که از آنجهت نیمه شب برای این مذاکره انتخاب گردیده که تصور رفت در میان شدت و بحبوحه جنگی و تشنگی و گرسنگی و بی خوابی پرچمدار میتوانند در روح بلند پرواز ایشان رخنه نموده و بمقصد و هوای نفس خود توفیق یابند و شمر را هم از این جهت انتخاب نمودند که با مادر حضرت عباس از یک قبیله بود و چنین اندیشیدند که سابقه هم قبیله‌گی نتیجه مؤثر در تحصیل نتیجه خواهد بود .

شمر نزدیک خیام سیدالشهداء (ع) میشود و با عنوان این بنی اختنا حضرت عباس را برای مذاکره میطلبند با اجازه سیدالشهدا پرچمدار در بیرون خیمه بملاقات شمر میرود و مأمور مأموریت خود را در میان میگذارد حضرت عباس لحظاتی سکوت میکند و شمر سکوت را دلیل رضا میگیرد و با فسون خود ادامه میدهد ولی ناگهان حضرت نهره میزند :

ای مردم بد نهاد و پست فطرت آیا از پیشوا و دین خود دست بردارم و زنا زاده‌ای را حمایت کنم ؟

شمر مایوس بر میگردد و فردای آن شب جنگ آغاز میشود حضرت عباس بن علی (ع) مردانه و شیر صفت که خاهاش مؤمنین و بندگان مقرب خداوند است بر سپاه یزید هجوم میآورد و صفوف دشمن را از هم شکافته و وارد فرات میشود تا آب بخیمه‌ها رساند در حالی که سرابای وجود گرامی او از تشنگی میسوخت با دو کف دست آب را بلبان خود نزدیک میکند

سنج شایمان ————— پرچمدار نهضت

ولی بیاد تشنگی برادر و یاران و اطفال معصوم میافتد آب را نیاشامیده
میریزد و بخود خطاب میکند این رسم وفا و اخلاص نیست که خود بنوشی
و اطفال برادرت تو تشنه بمانند. با عجله مشک را پر از آب نمود و از
فرات خارج میشود و بایکدینا آرزو و امید میکوشد که آب را بخیم رساند.
انبوه سپاه یزید بر او حمله میکنند با شجاعت غیرقابل وصفی بر نیروی
دشمن میتازد و چندین نفر را میکشد دست راستش در این گیر و دار قطع
میشود و شمشیر بدست چپ میگیرد و درحالی که میخواند: بخدا اگر دست
چپم را هم قطع کنید محال است از ایمان خود دست بردارم محال است
تسلیم سپاه پست فطرت یزید شرا بخوروسک باز گردم.

تا آخرین دقیقه حیات میجنگد و مبارزه میکند و تن بذلت و زندگانی
تحت حکومت فاسقی نمیدهد و در تاریخ تمدن و انسانیت نام بلند خود را
بیادگار میگذارد و مزار مقدسش زیارتگاه عالمیان میگردد.

این بود نمونه فداکاری يك مؤمن حقیقی و این است يك فرد مظهر
ایمان و دین آری باید چنین بود باید بحیات دو روزم چندان اهمیت نداد
و تسلیم ظلم و جور و اجحاف نشد. سرانجام همه کس مردن و بزرخاک رفتن
است تنها آثاری که از انسان باقی میماند همان ملکات فاضله و مکارم
اخلاق است که در رأس آن ایمان بخدا و مبارزه با ستمکاران و فاسقین
قرار دارد پروردگارا بما توفیق عنایت فرما که از زمره مؤمنین حقیقی
تو باشیم.

شعبه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی